

نام رساله از بین رفته شبستری چیست؟

علی بصیری پور*

چکیده

شیخ سعدالدین محمود شبستری از مشایخ صوفیه نیمه دوم سده هفتم و سده هشتم هجری، و صاحب آثاری چون گلشن راز، سعادت نامه، حق الیقین فی معرفة رب العالمین و مرآة المحققین است. گلشن راز وی مهمترین و مشهورترین اثر اوست که شروح متعددی بر آن نوشته شده است. یکی از رسائل شبستری که به اشتباه شاهد یا شاهدنامه نیز خوانده شده، رساله مشاهده است که از آن نسخه‌ای در دست نیست و شبستری فقط در پایان باب پنجم رساله حق الیقین از آن نام برده است. در نسخه‌های موجود حدیقة المعارف (شرح شجاع‌الدین کربالی بر گلشن راز) و نیز در کهن‌ترین نسخه‌های حق الیقین نام این رساله مشاهده ذکر شده که درست‌ترین صورت آن است و این مقاله در پی اثبات همین حقیقت است.

کلیدواژه: شیخ محمود شبستری، مشاهده، حدیقة المعارف، حق الیقین.

شیخ سعدالدین محمود بن عبدالکریم بن یحیی شبستری از عرفای بنام و صاحب کمال ایران در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری است؛ از زندگی وی اطلاعی در دست نیست. شیخ به سال ۶۸۷ یا ۶۸۸ ه. ق در شبستر از نواحی آذربایجان دیده به جهان گشود و پس از مسافرت‌هایی به مصر و شام و حجاز که در کتاب خود سعادت نامه به آن اشاره کرده، سرانجام به زادگاه خود بازگشته است. در این زمان در علوم اسلامی و عرفان، دانشمندی بزرگ و عارفی سترگ بود. در خصوص سال درگذشت شبستری اختلافاتی هست؛ آن را از سال ۷۱۸ تا ۷۴۰ ه. ق نوشته‌اند.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی قزوین. Email: basiriali20@yahoo.com

وی در عرفان از پیروان مکتب محیی‌الدین بن عربی (۶۳۸ - ۵۶۰) است و در عمر کوتاه خود چند کتاب و رساله به نظم و نثر تدوین کرده و آثاری هم بدو منسوب است که از ذکر آنها چشم می‌پوشیم؛ در اینجا ضمن معرفی مختصر آثار شیخ محمود شبستری به ذکر دلایلی می‌پردازیم که اثبات می‌کند نام یکی از رساله‌هایی که از بین رفته است «مشاهد» است، نه صورتهای ساختگی دیگر.

۱. گلشن راز: که مهم‌ترین و پخته‌ترین اثر شیخ شبستری است، منظومه‌ای است حاوی بیش و کم هزار بیت در بحر هزج مسدس محذوف که به سال ۷۱۷ ه. ق در پاسخ به سؤالات امیر حسینی هروی (م: ۷۱۸ ه. ق) سروده شده است. شبستری در این منظومه یک یک پرسش‌های مطرح شده را زیر عنوان‌های «تمثیل» و «قاعده» پاسخ داده است. گلشن راز هم به سبب اهمیتش در ادبیات عرفانی و هم به سبب موجز و تمثیلی بودنش از همان قرن هشتم توسط افراد مختلف شرح و تفسیر شد که به نظر می‌آید قدیمی‌ترین این شروح، شرحی است که فرزند شبستری بر گلشن نگاشته است.^۱ معروف‌ترین آنها همان شرح موسوم به مفاتیح‌الاعجاز شمس‌الدین لاهیجی دانسته شده است. یکی دیگر از شروح معتبر و مهم گلشن راز شرحی است به نام حدیقة‌المعارف از مولانا شجاع‌الدین کربالی که با یک واسطه مرید شاه قاسم انوار (م ۸۳۱ ه. ق) است. یکی از وجوه اهمیت این شرح مرغوب، کمک به معرفی درست نام رساله‌ی از بین رفته‌ی شیخ محمود شبستری به نام مشاهد است که هدف نوشتن این مقاله است.^۲

۲. سعادت نامه: منظومه‌ای است در مسایل کلامی در بحر خفیف بر وزن حدیقة‌الحقیقه سنایی (۵۲۹ - ۴۶۷) و چهار باب دارد که هر باب فصل‌ها و حکایت‌هایی را در بر می‌گیرد. ظاهراً شبستری بر آن بوده است تا کتاب را در هشت باب بسراید اما پس از سرودن چهار باب از آن، از اتمام آن منصرف شده است.

۳. حق‌الیقین فی معرفة رب العالمین: رساله‌ای است عرفانی که شامل یک مقدمه و هشت باب است. موضوع آن مسایل عرفان نظری است. مباحث موجود در آن گلشن راز را فرا یاد می‌آورد. این اشتراک مضمون تا جایی است که صاحب حدیقة‌المعارف در شرح برخی ابیات گلشن راز از آن کمک گرفته است. اهمیتی که این رساله می‌تواند داشته باشد معرفی رساله‌ی مشاهد است که در پایان باب پنجم آن آمده است. نثر کتاب نسبتاً پیچیده است و مشحون از استناد به قرآن و حدیث.

۴. مرآة‌المحققین: یکی دیگر از رساله‌های شیخ است؛ هفت باب دارد و از نثری

ساده و روان. با وجود اختلاف سبکی آشکاری که این رساله با آثار دیگر شبستری دارد، انتساب آن به وی جای بحث دارد.

۵. مَشَاهِد: که آن را به اشتباه شاهد یا شاهدنامه نیز گفته‌اند رساله‌ای بود که احتمالاً شیخ «در حسن و عشق و مراتب آن» تدوین کرده بود و از آن فقط نامی به جای مانده که چنانچه گفته شد نام آن در آخر باب پنجم از رسالهٔ حق‌الیقین ذکر شده است. آنچه باعث گشته در نام این رساله اشتباه رخ دهد احتمالاً یکی، خود موضوع رساله بوده (در حسن و عشق و مراتب آن) که شیخ در حق‌الیقین به آن اشاره کرده است ظاهر امر این گونه می‌نماید که خوانندگان چون اصل رساله را ندیده بودند، از این عبارات حق‌الیقین این گونه برداشت کرده‌اند که چون موضوع رساله حسن و مشقت و مراتب آنست پس نام شاهد یا شاهدنامه اسم یا مسمی‌تری است. دو دیگر اشتباه نسخه‌نویسان رسالهٔ حق‌الیقین است که در چندین نسخه به اشتباه شاهد، شاهدنامه یا مشاهده ضبط کرده‌اند. بدیهی است که تشابه ظاهری «مشاهد» و «شاهد» می‌تواند منشأ این اشتباه باشد اما دلایلی دیگر که می‌تواند گفته ما را تأیید کند:

۱. در هر سه نسخه موجود شرح حدیقة‌المعارف از شجاع‌الدین کربالی^۲ بر گلشن راز آمده است:

«از رسالات شیخ آن چند به مطالعه فقیر رسیده حق‌الیقین است؛ و در آنجا حواله تحقیق حسن و عشق به رسالهٔ دیگر موسوم به مشاهد فرمود» که از این عبارت بر می‌آید که در نسخهٔ حق‌الیقین که به مطالعه کربالی رسیده نام رساله، مشاهد بوده نه شاهد یا شاهدنامه.

مگر این که قایل به این باشیم که شبستری رسالهٔ دیگری جدا از این رساله به نام شاهد یا شاهدنامه نوشته باشد! مسلماً این تکرار در هر سه نسخهٔ شرح کربالی بدون سببی نمی‌تواند بود.

۲. مشاهد به فتح اول و کسر چهارم، جمع مشهد است.^۳ و این خود نام یکی از مثنوی‌های شش‌گانهٔ شاه داعی شیرازی (۸۷۰ - ۸۱۰) است که این مثنوی به بخش‌هایی به نام مشهد تقسیم شده است.^۴ قطعاً گفته خواهد شد اگر نام کتاب شاه داعی مشاهد است چه ربطی می‌تواند با رسالهٔ شبستری داشته باشد؟ می‌گوییم درست است اما حداقل این است که نام چنین کتابی سابقه داشته است؛ چنان‌که شاید شاه داعی که خود شارح گلشن راز بوده در نام‌گذاری کتاب خود به رسالهٔ شبستری نظر داشته است.

دیگر این که دلیل معتبری هم مبنی بر تصدیق نام شاهد یا شاهدنامه در دست نداریم؛ حتی یکی از منابع که نام رساله را صریحاً شاهد در بیان عشق و عاشق و معشوق آورده کتاب مجالس العشاق است که مؤلف در ضمن آوردن نام کتاب، حکایت خنده‌آوری که دون شأن شبستری است آورده که نشان می‌دهد تا چند اندازه از صحت خالی است:

یکی از اقربای شیخ اسماعیل سپس، شیخ ابراهیم نام، منظور آن حضرت [شبستری] بوده و حسنی غریب داشتند، رساله‌ی شاهدنامه در بیان عشق و عاشق و معشوق به نام او نوشته‌اند؛ و در آن محل که گلشن راز فرموده‌اند، مطرح انظار آن حضرت، رخسار آن بزروار بوده. می‌گویند منکران زبان طعن بگشادند و در پای او افتادند. خویشان آن حضرت درخواست کردند که خود را باز آید و به همان حالات که داشتید اشتغال نمایید و به افاده و استفاده پردازید و خود را از این دریای سودا به کنار اندازید در جواب ایشان گفت: رباعی

جز آتش عشق در دلم سوز مباد جز عارض او شمع شب افروز مباد
روزی که دلم شاد نباشد به؟؟ در گردش ایام من آن روز مباد^۵

بدیهی است کسانی که به این خوبی داستان می‌بافند از ساختن واژه‌ای عاجز نخواهند بود. نکته قابل توجه این که داستان بافی‌های بی‌اساس کار را به جایی رسانده است که محقق باریک‌بینی چون دکتر زرین‌کوب نیز در این باره دچار تردید گشته تا جایی که صحت انتساب رساله شاهد را به شبستری محل تأمل می‌داند؛ چنان که می‌فرماید:

اگر داستان را برای توجیه اقدام او در تصنیف شاهدنامه ساخته باشند باید خاطر نشان کرد که وجود و صحت انتساب این اثر محل تأمل واقع شده است.^۶

۳. دیگر این که در رساله حق‌الیقین تصحیح دکتر رضا اشرف‌زاده که قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود حق‌الیقین را در اختیار داشته، مصحح به جای شاهد یا شاهدنامه (که معمول است) همان «مشاهد» باز گفته ما را که در نسخه کهن تر بوده در متن جا داده است.^۷ اما در مقدمه خود بر رساله حق‌الیقین در ذیل معرفی آثار شبستری باز شاهد را از جمله آثار شبستری معرفی کرده است با وجود این که در متن مصحح ایشان شاهد ذکر شده است. چنان که گویی خود هم از این ماجرا بی‌خبر بوده یا اینکه به هر دلیل راضی به پذیرش نام شاهد برای این رساله نبوده است. هم‌چنین دکتر صمد موحد در این باره نوشته‌اند:

در کتاب حق‌الیقین از اثر دیگری به نام رساله شاهد یا مشاهده نام می‌برد در

توضیح مقامات عشق و رموز شیدایی، نمی‌دانیم آیا این کتاب همان است که محمد لاهیجی و نویسندهٔ روضات الجنان و رضا قلی خان هدایت آن را شاهدنامه نامیده‌اند و یا چیز دیگر است.^۸

به روی هم رفته به نظر نگارنده با وجود آن‌که رسالهٔ مورد بحث از میان رفته است و دلیل قاطعی هم در دست نداریم که قطعاً رسالهٔ مذکور را شاهد یا شاهدنامه بنامیم؛ با توجه به قراین گفته شده می‌توانیم رسالهٔ از بین رفتهٔ شیخ محمود شبستری را تا زمان پیدا شدن نسخه‌ای از آن مشاهده بخوانیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی از این شرح‌ها ر.ک: نسخه‌های خطی، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر چهار ص ۱۲۲ تا ۱۵۴.
۲. این کتاب توسط نگارنده با مقابلهٔ سه نسخه موجود از آن تصحیح شده و هم اکنون آماده چاپ است.
۳. لغت‌نامه، ذیل مشاهد.
۴. دیوان شاه داعی شیرازی، تصحیح استاد دبیر سیاقی، ۲ جلد.
۵. مجالس العشاق، شهاب‌الدین طبسی گازرگاهی، ص ۱۲۸.
۶. جستجو در تصوف، ص ۳۱۹.
۷. حق‌الیقین، تصحیح و تعلیق دکتر رضا اشرف‌زاده، ص ۶۷.
۸. مجموعه آثار شبستری، ص ۸.

منابع

۱. حدیقه المعارف، شجاع‌الدین کربالی، تصحیح انتقادی با مقدمه و تعلیقات علی بصیری پور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
۲. حق‌الیقین، تصحیح و تعلیق دکتر رضا اشرف‌زاده.
۳. دیوان شاه داعی شیرازی، تصحیح استاد دبیر سیاقی ۲ جلد.
۴. لغت‌نامه، دهخدا.
۵. مجالس العشاق، امیر کمال‌الدین حسین شهاب‌الدین طبسی گازرگاهی، کامپور ۱۳۱۴.
۶. مجموعه آثار شبستری، به اهتمام دکتر صمد موحد ۱۳۶۵.
۷. نسخه‌های خطی؛ گلچین معانی، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۸. جستجو در تصوف، دکتر زرین‌کوب.